



چرا در رنج و سختی آفریده شدیم

محمد رضا میرزایی

بانگاهی به ساختار خلقت خود و جهان متوجه می‌شویم که حتی پیشرفت مادی ما هم در رنج و سختی است. اگر مدرسه اجباری نبود، شاید بسیاری از ما الان بی‌سواد بودیم. اگر اجبار به کار کردن و سختی در کار وجود نداشت، شاید جهان الان به تنبل خانه‌ای تبدیل شده بود با مردمی بی‌هویت و معتاد. اما آیا خدا وظیفه دارد مشکلات ما را حل کند؟

اصل این است که ما با تلاش خودمان و نیز توکل به خداوند مشکلاتمان را حل کنیم. بله خداوند از سر لطف نه وظیفه، برخی از مشکلات ما را با تلاش و حتی دعا حل می‌کند. اما باز هم معنایش این نیست که دیگر هیچ مشکلی وجود ندارد. اصلاً انسان بدون مشکل وجود ندارد. حتی افرادی که گاهی به خاطر موقعیت مالی یا شغلی گمان می‌کنیم بدون مشکل هستند هم مشکلات خاص خودشان را دارند.

اگر قرار بود کسانی مشکلی نداشته باشند و خداوند عنایت خاص به ایشان کرده باشد، قطعاً پیامبران الهی و معصومین (علیهم السلام) هستند. در حالی که می‌بینیم اتفاقاً این بزرگواران مشکلاتشان از همه بیشتر است. حتماً قصه‌های حضرت موسی (علیه السلام) و بهانه‌های بنی اسرائیلی را شنیده یا خوانده‌اید. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «هیچ پیامبری به اندازه من اذیت نشده است.»^۱

درباره معصومین هم که همه داستان امام حسین (علیه السلام) و ماجرای روز عاشورا را می‌دانیم. پس نکته بعدی این است که اگر کسی با مشکلات بیشتری دست و پنجه نرم می‌کند، به معنای این نیست که خداوند او را دوست ندارد. شاید لازم باشد از این پس بیشتر مطالعه، تحقیق و تفکر کنیم.

منبع: المناقب، ابن شهر آشوب، جلد ۳، ص ۴۲.

یکی از دغدغه‌های هر جوانی ممکن است خدا باوری باشد. اینکه اگر خدایی هست، چرا دنیای ما این همه مشکل دارد؟ اگر خدایی هست، چرا من این همه مشکل دارم؟ چرا، چرا، چرا؟ و هزاران چرا دیگر که ذهن جوان را درگیر می‌کنند.

البته این سؤال‌ها به معنی انکار وجود خدا نیست، بلکه می‌خواهد بگوید: «نمی‌توانم بپذیرم خدا هست و این همه مشکل وجود دارد. نکته‌ای که شاید کمتر به آن توجه داریم، شناخت نداشتن ما از خداوند متعال و جهان خلقت است. آیا خداوند ما را خلق کرده است تا در این دنیا بدون مشکل و در آسایش و رفاه زندگی کنیم؟»

برای پاسخ به این سؤال باید به «قرآن کریم» به عنوان قانون اساسی خلقت و مرجع باید و نبایدها مراجعه کرد. در سوره مبارکه «بلد»، خداوند متعال با سه سوگند محکم به انسان می‌فرماید که او را در رنج و سختی آفریده است. پس تکلیفمان روشن شد. قرار نبوده است دنیای ما را در بدون رنج و سختی باشد. حالا چرا خدای حکیم ما را در چنین وضعیتی خلق کرده است؟



حس طلوع

معصومه زارع

دنیای پرهیاهو دنیای رمز و راز است
بخشی از آن حقیقی، بخشی دگر مجاز است
گم کرده‌ام خودم را در ازدحام این راه
چون ماجرای سوزن، در زیر کوهی از کاه
من کیستم میان صدها مسیر باریک؟
محتاج نور هستم در جاده‌های تاریک
از پیلهٔ جهالت باید دری کنم باز
پروانه‌ای شوم من، در اشتیاق پرواز
دیوار وقت کوتاه، راه سفر دراز است
برهان عقل می‌گفت، ره توشه‌ای نیاز است
با کاروان عمرم باید روم به فردا
مانند آبی رود، در جست‌وجوی دریا
طوفان پرسش آمد ذهن مرا تکان داد
دستی اشاره می‌کرد راه مرا نشان داد
برق جرقه‌ای تا، فکر مرا به هم زد
دست هویت آمد آینده را رقم زد
اندیشه موج می‌زد در ساحل تفکر
وقت غروب جهل است در پرتو تدبیر
ناگاه بین قلبم، ایمان جوانه می‌زد
دست هدایت انگار بر روی شانه می‌زد
در گرگ و میش ذهنم، حس طلوع دارم
بعد از قنوت باران، قصد رکوع دارم
ای کاش قطره آبی، در دست رود بودم
در محضر خداوند، غرق سجود بودم



تفکر نور می‌خواهد